

تقریر درس خارج فقه نظام خانواده آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۰۷	تاریخ	۱۴۰۴/۰۸/۲۹
عنوان ۱	فصل اول: کلیات احکام ازدواج					
عنوان ۲	مطلب پنجم: شروط وجوب نکاح یا انکاح					
عنوان ۳	شرایط صحت نکاح					
عنوان ۴	شرط بلوغ					
عنوان ۵	فرع ششم: ولایت پدر و جد در نکاح صغیرین					
عنوان ۶	بررسی روایات دال بر ولایت جد پدری					

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

بر اساس مباحث فقهی و با استناد به روایات متعدد، جد پدری همانند پدر، بر نوادگان صغیر خود ولایت دارد و می تواند آنها را به عقد ازدواج درآورد.

نکات کلیدی این بحث عبارت اند از:

- ❖ اولویت نظر جد: در صورت اختلاف نظر میان پدر و جد پدری در انتخاب همسر برای فرزند، تصمیم و انتخاب جد بر نظر پدر مقدم شمرده می شود.
- ❖ شرط عدم اقدام پدر: اولویت جد تا زمانی پابرجاست که پدر، پیش از اقدام او، فرزند را به ازدواج شخص دیگری درنیآورده باشد. اگر پدر زودتر اقدام کرده باشد، عقد او صحیح و نافذ است.
- ❖ رعایت مصلحت نوه: ولایت جد مشروط به رعایت کامل مصلحت نوه است. جد باید فردی صالح و قابل اعتماد (مرضی) باشد و تصمیم او نباید هیچ گونه ضرری (مضار) برای فرزند در پی داشته باشد.

درآمد بحث

بحث در فقه نظام خانواده، به مسأله «ولایت جد پدری بر فرزندان صغیر» رسیده است. پرسش این است که آیا پدر بزرگ پدری (جد پدری) می تواند نوادگان صغیر (کودکان نابالغ) خود را به عقد ازدواج درآورد؟ به دیگر سخن، آیا پدر اختیار دارد برای دختر یا پسر خود که هنوز به سن بلوغ نرسیده اند، همسری برگزیند؟ چنان که پیش تر بیان شد، روایات متعددی این امر را تأیید می کنند و چنین ازدواجی را صحیح می دانند. البته این بحث دیگری است که فرزندان پس از

بلوغ، تا چه میزان اختیار دارند تا انتخاب پدر را بپذیرند یا رد کنند؛ اما اصل این ازدواج، که با ولایت جد پدری بر صغیر واقع می‌شود، صحیح است.

پیش از این، درباره این موضوع و روایات مربوط به آن، سخن گفته و روایات متعددی را به بررسی گذاشته‌ایم.

بررسی روایات دال بر ولایت جد پدری

اکنون نوبت به بررسی طایفه دوم روایات این باب می‌رسد؛ یعنی روایاتی که درباره تزویج نوه به دست جد صادر شده است تا روشن شود که آیا این ولایت برای جد نیز ثابت است یا خیر؟ آیا جد می‌تواند نوه‌اش را بدون اذن پدرش به تزویج دیگری درآورد؟

از این روایات چنین استفاده می‌شود که جد پدری این اختیار را دارد که نوه خود را شوهر دهد یا او را به همسری کسی درآورد، حتی اگر پدر بدان رضایت نداشته باشد. اما نکته‌ای در این میان وجود دارد و آن این است که: اگر پدر پیش‌تر برای فرزند نابالغ خود تصمیمی اتخاذ کرده و او را تزویج نموده باشد، دیگر جد پدری حق مداخله و برهم زدن آن ازدواج صحیح را نخواهد داشت. لیکن اگر جد، پیش از تصمیم و اقدام پدر، برای تزویج نوه اقدام کند، این حق برای او ثابت است. در مواردی نیز که هم جد و هم پدر - هر دو - هم‌زمان اقدام کنند، انتخاب جد پدری بر انتخاب پدر فرزند، مقدم شمرده می‌شود.

روایات متعددی در این زمینه وجود دارد:

❖ **روایت نخست:** روایت کلینی از محمد بن مسلم است که از یکی از دو امام باقر یا صادق علیهما السلام نقل

می‌کند: عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن محمد بن علی بن الحکم عن علاء بن رزین عن محمد بن مسلم عن أحدهما علیهما السلام قال:

«إِذَا زَوَّجَ الرَّجُلُ ابْنَةَ ابْنِهِ فَهُوَ جَائِزٌ عَلَى ابْنِهِ وَلَا ابْنَهُ أَيْضاً أَنْ يُزَوِّجَهَا»؛

یعنی اگر مردی، دختر پسرش را تزویج کند، این امر بر پسرش نافذ و جایز است و پسر او (پدر دختر) نیز می‌تواند دخترش را تزویج نماید.

محمد بن مسلم می‌گوید:

«فَقُلْتُ: فَإِنْ هَوِيَ أَبُوهَا رَجُلًا وَجَدَهَا رَجُلًا؟ فَقَالَ: الْجَدُّ أَوْلَى بِنِكَاحِهَا»؛

پرسیدم: اگر پدر دختر، مردی را بپسندد و جد او مرد دیگری را، تکلیف چیست؟ فرمودند: «خواستۀ جد برای نکاح او اولی است».

سند این روایت، تام و معتبر است.

❖ روایت دوم: روایتی است از فضل بن عبدالملک از ابی عبدالله علیه السلام: عن حمید بن زیاد عن الحسن بن محمد بن سماعة عن أبان عن الفضل بن عبد الملك عن أبي عبدالله علیه السلام قال:
«إِنَّ الْجَدَّ إِذَا زَوَّجَ ابْنَةَ ابْنِهِ وَكَانَ أَبُوهَا حَيًّا وَكَانَ الْجَدُّ مَرَضِيًّا جَارًا...»

امام علیه السلام می فرماید: «اگر جد، نوه پسر خود را به ازدواج درآورد، در صورتی که پدرش زنده باشد و جد نیز فردی مورد رضایت (صالح) باشد، این ازدواج صحیح است».
در این روایت دو قید وجود دارد که محل بحث است:

- ۱. «إِذَا كَانَ أَبُوهَا حَيًّا»: این قید، سبب شده است که برخی، ولایت جد را به حیات پدر مشروط کنند؛ یعنی اگر پدر در قید حیات باشد، جد پدری می تواند نوه دختریش را به ازدواج کسی درآورد، زیرا ولایت او از طریق ولایت بر پدر اعمال می شود. اما اگر پدر از دنیا رفته باشد، دیگر جد پدری چنین حقی ندارد. این نظر برخی از فقهاست؛ اما ما آن را نمی پذیریم و معتقد نیستیم که این روایت، مفهوم مخالف دارد. با این حال، برخی به استناد همین فراز، چنین قیدی را برای ولایت جد ذکر کرده اند.
- ۲. «وَكَانَ الْجَدُّ مَرَضِيًّا»: این قید بدان معناست که جد باید فردی صالح باشد، نه فاسق که بخواهد نوه دختریش را به هر شخص لایابالی بسپارد. «مرضی بودن» در درجه اول به این معناست که عادل یا دست کم، ثقة باشد؛ یعنی در این امر، مورد رضایت و وثوق است و به عبارت دیگر، اهل تشخیص بوده و مصلحت نوه اش را رعایت می کند.

راوی در ادامه می پرسد:

«قُلْنَا: فَإِنْ هَوِيَ أَبُو الْجَارِيَةِ هَوَى وَهَوِيَ الْجَدُّ هَوَى؟»

گفتیم: اگر پدر و جد، هر یک میلی دیگر داشته باشند؛ یعنی جد بخواهد او را به کسی تزویج کند و میل پدر به شخص دیگری باشد، چه باید کرد؟

«وَهُمَا سَوَاءٌ فِي الْعَدْلِ وَالرِّضَا»

درحالی که هر دو از نظر عدالت، اهلیت تشخیص و وثاقت، در شرایطی مساوی باشند، تکلیف چیست؟

امام علیه السلام در پاسخ می فرماید:

«قَالَ: أَحَبُّ إِلَيَّ أَنْ تَرْضَى بِقَوْلِ الْجَدِّ»؛

نزد من پسندیده تر آن است که به قول جد عمل شود.

❖ روایت سوم: کلینی روایتی دیگر از عبید بن زراره نقل می کند که می گوید:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْجَارِيَةُ يُرِيدُ أَبُوهَا أَنْ يُزَوِّجَهَا مِنْ رَجُلٍ وَيُرِيدُ جَدُّهَا أَنْ يُزَوِّجَهَا مِنْ رَجُلٍ آخَرَ»

به ابي عبدالله عليه السلام عرض کردم: پدر دختری می خواهد او را به همسری مردی درآورد، درحالی که جدش مایل است او با مرد دیگری ازدواج کند؛

امام عليه السلام فرمود:

«فَقَالَ: الْجَدُّ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مَا لَمْ يَكُنْ مُضَارًّا»

خواستۀ جد مقدم است، مشروط بر آنکه تصمیم او به زیان فرزند نباشد.

این روایت نیز تقریباً همان مضمون «كَانَ الْجَدُّ مَرْضِيًّا» در روایت پیشین را در بر دارد؛ یعنی جد باید کسی باشد که اهل تشخیص مصلحت بوده و بر اساس مصلحت طفل اقدام کرده باشد، نه برخلاف آن.

سپس امام عليه السلام شرط دیگری را بیان می فرماید:

«إِنْ لَمْ يَكُنِ الْأَبُ زَوْجَهَا قَبْلَهُ»

این در صورتی است که پدر، پیش از او، دختر را شوهر نداده باشد [وگرنه اگر چنین کرده باشد، آن ازدواج صحیح است].

و در پایان می افزاید:

«وَيَجُوزُ عَلَيْهَا تَزْوِيجُ الْأَبِ وَالْجَدِّ»؛

و ازدواج دادن دختر، هم توسط پدر و هم توسط جد، جایز است؛

یعنی هر دو می توانند برای این امر اقدام کنند.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين